

در بین بهایبان مسئله ازدواج این است که زن و مرد باید جسماً و روحاً متحد باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند.
گلزار تعالیم بهائی ص ۱۶۱

عنوان : حصن فلاح و نجات

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. نصوص مبارکه حضرت بهاءالله
۳. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۴. نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵. خانه محبت
۶. بیانات حضرت ولی امرالله
۷. ملاحظاتی درباره ازدواج
۸. چرا اخذ رضایت والدین در ازدواج لازم است؟
۹. وظایف والدین در امر ازدواج فرزندانشان
۱۰. حکایت ازدواج پدر و مادر حضرت حرم (روحیه خانم)
۱۱. شور و مشورت (چگونه ازدواجهای موفق تری را در جامعه شاهد باشیم؟)
۱۲. برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۳. الفت و پذیرائی
۱۴. مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

إِلَهِي إِلَهِي أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ وَ وَحْدَ نَفُوسِ أَصْدِقَائِكَ وَ اجْعَلْهُمْ مُتَّحِدِينَ وَ مُتَّفَقِينَ فِي جَمِيعِ الشُّؤْنِ
وَ اجْمَعْهُمْ عَلَيَّ مَعِينِ رَحْمَانِيَّتِكَ بَيْنَ بَرِّيَّتِكَ وَ فِي ظِلِّ رَأْيِهِ فَرْدَانِيَّتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ احشُرْهُمْ تَحْتَ لِوَاءِ الْوَحْدَةِ
الْإِنْسَانِيَّةِ وَ احْفَظْهُمْ فِي صَوْنِ حِمَايَتِكَ عَنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَنْتَ الْمَقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْمُهَيِّمُنُ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ .

عبد البهاء عباس

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبها چاپ آلمان ص ۵۸

۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای دو اولاد عزیز من، اقتران شما چون به سمع من رسید بی نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمد لله آن دو طیر با وفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهم که یک عائله محترمه ئی تشکیل نمایند؛ زیرا اهمیّت ازدواج به جهت تشکیل یک عائله پربرکت است تا در کمال مسرت مانند شمعها عالم انسان را روشن نمایند؛ زیرا روشنائی این عالم به وجود انسانست؛ اگر در این جهان انسان نبود، مانند شجر بی ثمر بود. حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طراوت و لطافت حاصل نمایند و پرشکوفه و ثمر گردند؛ تا الی الأبد این سلاله باقی و بر قرار ماند و علیکما البهآء الأبھی.

منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبها ج ۱ ص ۱۱۷

۲-نصوص مبارکه حضرت بهاءالله

تَزَوَّجُوا يَا قَوْمَ لِيُظْهَرَ مِنْكُمْ مَنْ يَذْكُرُنِي بَيْنَ عِبَادِي هَذَا مِنْ أَمْرِي عَلَيْكُمْ اتَّخِذُوهُ لِنَفْسِكُمْ مَعِينًا".
(K63) ۱

فَلَمَّا أَرَادَ نَظْمَ الْعَالَمِ وَ أَظْهَرَ الْجُودِ وَ الْكِرْمِ عَلَى الْأُمَّمِ شَرَعَ الشَّرَائِعَ وَ أَظْهَرَ الْمَنَاهِجَ وَ فِيهَا سَنٌّ سُنَّةَ النِّكَاحِ وَ جَعَلَهُ حِصْنًا لِلنَّجَاحِ وَ الْفَلَاحِ وَ أَمَرْنَا بِهِ فِيمَا نُزِّلَ مِنْ مَلَكُوتِ الْمُقَدَّسِ فِي كِتَابِهِ الْاِقْدَسِ. ۲
و نیز:

لازال وصل و اتصال لدى الله محبوب و فصل و انفصال مبعوض خذوا ما أحببه الله. ۳
مضمون آیات مبارکه به فارسی:

ای قوم ازدواج کنید تا از شما کسانی ظاهر شوند که من را بین عبادم ذکر کنند این امر من است بر شما او را برای نفسهایتان یاور بگیرید.

زمانی که خداوند نظم عالم و اظهار جود و کرم بر امم را اراده نمود، شرایع الهی را تشریح فرمود و راههای هدایت را آشکار کرد و در آن سنت نکاح را وضع نمود و آن را قلعه ای برای نجات و رستگاری قرار فرمود و به آن در آنچه از ملکوت مقدس در کتاب اقدسش نازل شده امر کردیم.

۱- کتاب اقدس ۲- تسبیح و تهلیل ص ۲۰۶

۳- پیام آسمانی ج ۱ ص ۹۴

۴-نصوص حضرت عبدالبهاء

"هر ضرری از افتراق حاصل گردد اما از اقتران کائنات همواره نتایج ممدوحه حاصل شود اقتران در ذرات موجودات سبب ظهور فضل و موهبت رحمانست و هر چند رتبه بالاتر رود اهمیت اقتران عظیمتر گردد. سبحانه الذی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تَنْبَتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْقِلُونَ عَلَى الْخُصُوصِ اقتران انسان به انسان، بالأخصّ اگر به محبت حضرت یزدان شود وحدت اصلیه جلوه نماید و محبت رحمانیه تأسس جوید. یقین است این اقتران سبب ظهور الطاف حضرت رحمان شود". ۱.

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"اما عبارتی که من به تو مرقوم نموده‌ام که خود را وقف در خدمت امر الله نما مقصد این است که فکرت را حصر در تبلیغ امر کن و شب و روز به تعالیم و وصایا و نصایح حضرت بهاءالله پرداز و این منافی ازدواج نمی شود". ۲.

و نیز می فرمایند:

"هنگامی که اهل بها اقدام به ازدواج می نمایند، ازدواجشان باید ارتباط حقیقی باشد اتحاد روحانی و جسمانی هر دو باشد. به طوری که در جمیع مراحل زندگی و در تمام عوالم الهی اتحادشان پایدار و برقرار بماند؛ زیرا این وحدت حقیقی پرتوی از نور محبت الله است". ۳.

۱-منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۱ ص ۱۱۶

۲-منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۱ ص ۹۷

۳-انوار هدایت شماره ۱۲۶۶

" زن و شوهر باید معلومات خود و استعدادات خود و جسم و جان خود را در مرحله اول به حضرت بهاءالله و سپس بیکدیگر نثار نمایند . باید افکارشان عالی و آمالشان نورانی و قلوبشان روحانی و ارواحشان مطلع انوار شمس حقیقت باشد . نباید به جهت اتفاقات و تصادفات فانی این زندگی تغییر پذیر نسبت به هم بدبین شوند و خلق تنگی نمایند . قلوبشان باید وسیع و منشرح و به وسعت جهان الهی باشد . هر وقت اختلاف نظری بین ایشان تولید شود باید به منتهی درجه سعی نمایند که آنرا بین خود حل کنند و نگذارند خبر آن به خارج سرایت کند زیرا مردم مستعد هستند که ذره صغیر را جبل کبیر نمایند... شما باید تصورات و افکار عالی و آسمانی خود را به یکدیگر بگوئید هیچ امر مخفی در بین خود نداشته باشید . خانه خود را محل راحتی و صفا نمائید. مهمان نواز باشید و در منزل خود را بروی آشنا و بیگانه باز گذارید . هر تازه واردی را با روئی متبسم استقبال کنید و خوش آمد گوئید و طوری با ایشان رفتار نمائید که احساس کنند که در خانه من هستند. خداوند چنان اتحاد و اتفاقی بین زن و شوهر خلق نموده است که هیچکس نمیتواند در این دنیا بالاتر از این اتحادی را تصور کند . شما باید دائماً شجر الفت و اتحاد خود را با آب علاقه و محبت آبیاری نمائید تا در تمام فصول زندگانی سرسبز و خرم ماند و شیرین ترین اثمار را برای شفای آلام ملل و اقوام ببار آورد. خلاصه شما دو نفر باید طوری زندگانی نمائید که خانه شما جلوه ای از ملکوت ابهی شود تا هر کس قدم گذارد روح صفا و زهت را احساس نماید و بی اختیار فریاد برآورد که اینجا خانه محبت است اینجا کاخ محبت است اینجا آشیانه محبت است..."

گلزار تعالیم بهائی ص ۱۶۱ و ۱۶۲

۶-بیانات حضرت ولی امرالله

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

"حضرت بهاءالله در کتاب احکام خود تصریح می فرمایند که هدف اصلی ازدواج بقای نسل و ایجاد فرزندان است که چون بزرگ شوند بتوانند به شناسائی خداوند نائل آیند و بر طبق احکام و قوانین الهی که به واسطه پیامبران نازل شده رفتار نمایند. به این ترتیب بر طبق تعالیم بهائی، ازدواج در درجه اول یک عمل اجتماعی و اخلاقی است که هدف آن ورای نیازهای شخصی طرفین و علائق والدین است."

و نیز:

"ازدواج بین دو نفس که در این ایام زنده به پیام الهی گشته و حیات خود را وقف خدمت امرش نموده اند و برای خیر عالم انسانی می کوشند می تواند قوه عظیمی در زندگی دیگران باشد و برای سایر احباء و نیز غیر بهائیان سرمشق و مایه الهام گردد."

جزوه حیات بهائی تهیه و تنظیم دایره مطالعه نصوص و الواح بیت العدل

اعظم الهی شماره های ۲۱ و ۱۰

۷- ملاحظاتی درباره ازدواج

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

باید گفت بنا بر تعالیم بهائی هیچگونه رابطه جنسی، مشروع و جائز نیست مگر از راه انجام مراسم قانونی ازدواج بین زوجین و در چهار چوب زندگی زناشویی؛ روابط دیگر نه مشروع است و نه مفید برای سلامت بدن. جوانان بهائی باید از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شک اثر سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت فرا گیرند و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان زناشویی را در جوانی و در بحبوحه نیروی جسمانی برقرار سازند. ۱

مراسم عقد بهائی باید برگزار شود حتی اگر یکی از طرفین غیر بهائی باشد

اگر یک بهائی با فرد غیر مؤمنی ازدواج نماید که تمایل داشته باشد مراسم ازدواج آیینی مذهبی خود را اجرا کند این مسائل باید در ابتدا کاملاً روشن شود.

نخست هویت اعتقادی طرف بهائی باید مسلم و مشخص گردد و (رضایت به) برگزاری مراسم آیینی طرف غیر نباید دال بر پذیرفته شدن مذهب دسته ی غیر از جانب آنها تلقی شود. دوم آن که این مراسم باید به شیوه ای باشد که طرف بهائی اعتقادی جز به امر بهائی را اظهار ننماید. در صورتی که این شروط محقق شود طرف بهائی می تواند در مراسم ازدواج آیینی مذهبی طرف غیر بهائی خود مشارکت کند. طرف بهائی باید به برگزاری مراسم عقد بهائی، پیش و یا پس از مراسم غیر بهائی و در همان روز اصرار ورزد. ۲
(نامه ای از جانب حضرت شوقی ربانی خطاب به محفل ملی امریکا)

۸- چرا اخذ رضایت والدین در ازدواج لازم است

حضرت ولی امرالله در مکتوب ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷ خطاب به یکی از محفل روحانی ملی میفرمایند:

حضرت بهاءالله به وضوح بیان فرموده اند که کسب رضایت کلیه والدین در قید حیات برای ازدواج بهائی ضروری است. این حکم در خصوص والدین بهائی و غیر بهائی، والدینی که با هم زندگی میکنند یا سالها از هم جدا شده اند جاری است. این حکم عظیم را هیکل مبارک برای تقویت بافت اجتماعی، نزدیکتر ساختن پیوندهای خانواده، گذاشتن احترام و تکریم در قلوب فرزندان نسبت به کسانی است که به آنها حیات بخشیده و آنها را در سفری ابدی به سوی خالق قرار داده اند، وضع فرموده اند. ما بهائیان باید توجه داشته باشیم که در جامعه امروز دقیقاً جریانی در جهت مخالف در حال تکوین است: جوانان یوماً فیوماً اهمیت کمتری به امیال والدین خویش میدهند؛ طلاق حقی طبیعی تلقی میشود و به بهانه‌های بسیار ضعیف، توجیه ناپذیر و غیرمنصفانه به آن متوسل میشوند. نفوسی که از یکدیگر جدا می‌شوند، بخصوص اگر یکی از آنها سرپرستی کامل فرزندان را داشته باشد، بسیارمایلند اهمیت وجود همسر در زندگی مشترک را، که برای قدم نهادن فرزندان به این جهان مسئول است، قلیل جلوه دهند. بهائیان باید، با تمسک تام به احکام و تعالیم بهائی، با این قوای فرساینده که به سرعت در حال نابود کردن حیات عاقله و جمال روابط خانوادگی و از هم گسیختن بنای اخلاقی جامعه است، مبارزه نمایند. (ترجمه - *Compilation of Compilations*, vol.1, Preserving Baha'i Marriages)

۹- وظایف والدین در امر ازدواج فرزندان

حصول آشنائی کامل با خصلتها و اخلاق طرف مقابل مستلزم صرف وقت و بذل مساعی است و به این علت والدین باید زوجین را از اقدام عجولانه به ازدواج منع نمایند. زوجی که تصمیم به ازدواج دارند "باید نه تنها به تأثیری که بر یکدیگر دارند بلکه به تأثیرات خصائل آنها بر فرزندی که ثمره ازدواج آنها خواهند بود نیز بیندیشند." (۱)

آنچه که ممکن است سبب حیرت شود این نکته است که والدین به اندازه خود زوجین موظفند در رابطه با حصول شناخت نسبت به ویژگی ها و خصلتهای زوجین اقدام نمایند.

"احکام بهائی مسئولیت کسب اطلاع در مورد اخلاق و خصوصیات افرادی را که قصد ازدواج دارند به عهده هر دو طرف و نیز والدین آنها که باید برای ازدواج رضایت دهند، می گذارد" (۲)

این بدان معناست که والدین طرفین باید با اخلاق و رفتار شخصی که فرزندشان قصد ازدواج با او را دارد و نیز خصوصیات رفتاری فرزند خود آشنا شوند. ممکن است این سخن غریب به نظر بیاید که والدین باید با اخلاق فرزند خود نیز آشنا شوند، زیرا آنها فرض را بر این قرار خواهند داد که از قبل این آشنائی را دارند. اما رابطه آنها با فرزندشان، رابطه والد-فرزندی بوده و با بزرگ شدن و بالغ شدن فرزندشان احتمالاً با والدین خود به نحوی و با همتایان خود به نحو دیگری رفتار خواهند نمود. لهذا والدین باید اخلاق و رفتار فرزندشان را در رابطه با شریک انتخابی زندگی اش و نه خودشان مورد بررسی مجدد قرار دهند

رضایت والدین اثر جان اف سکیف ص ۲۹

(۱) مکتوب ۱۹ آوریل ۱۹۸۱ از طرف معهد اعلی به یکی از احباء

(۲) ترجمه بیان معهد اعلی انوار هدایت ش ۱۲۳۱"

ازدواج پدر و مادر حضرت حرم (روحیه خانم)

نخستین ملاقات آن‌ها زمانی پیش آمد که ویلیام (ساترلند ماکسول) به همراه راندولف (برادر خانم می بولز) برای صرف ناهار به خانه بولزها وارد شد. ویلیام و راندولف هر دو در مدرسه هنرهای زیبای پاریس تحصیل می‌کردند. او جوانی بود سرو قامت، چهارشانه، آمیزه‌ای از نژاد اسکاتلندی و کانادایی، با گونه‌هایی سرخ‌گون، چشمان آبی درخشان و موهای بلوطی موّاج. وقتی که او خانه بولزها را ترک کرد می، روی در هم کشید و به برادر گفت "دیگر این کانادایی غول پیکر را به خانه نیاور." راندولف که ویلیام را بهترین دوست خود می‌دانست از این اولتیماتوم برآشفته و دلیلش را جویا شد. می پاسخ داد "به خاطر این که از ابتدا تا انتها به من خیره شده بود." او بعد‌ها دریافت که دلیل نگاه خیره‌ی ساترلند، تصمیم او برای ازدواج با می بوده است. راندولف نیز به گفته خواهرش پایبند نماند و ساترلند را بارها به خانه آورد تا این که می احساس کرد بذر مهر او در قلبش جوانه زده است. اما ساترلند کم‌گو و خجول، وقتی قصد کرد تا پیشنهاد ازدواج خود را مطرح سازد با مشکل رو به رو شد. کلمات به سختی از دهانش خارج می‌شدند. عاقبت می، گفت: "ساترلند آیا تو به من پیشنهاد ازدواج می‌دهی؟" ویلیام جواب داد: "بله" و می، گفت: "می‌پذیرم."

عشقی که درنگ را نشاید ص ۵۵ و ۵۴